



موفق بوده‌اند و هم ناموفق ولی به هر حال ممارست می‌خواهد.

می‌توانیم «شب‌های مافیا» را کاملاً در ژانر وابسته به ریلیتی شو بدانیم، تصورمان این بود که یک برنامه تلویزیونی بازی محور است و عبارت دیگری هم درباره‌اش استفاده کردید فیلم - مسابقه. اگر دومی باشد بیشتر نزدیک به «رالی ایرانی» است، درست می‌گوییم؟

ما اولین بار در تلویزیون ریلیتی شو را تجربه کردیم که حدوداً ده سال قبل برنامه‌ای به اسم «سرزمین دانایی» ساختیم. ریلیتی شو خودش یک ژانر گسترده است که می‌تواند ابعاد گوناگون داشته باشد، حتی دوربین مخفی‌ها هم نوعی ریلیتی شو هستند. من در واقع چند مدل را ساختم که برای مثال می‌شود به «سرزمین دانایی» اشاره کرد که اسم آن را مستند-مسابقه گذاشتم اما وقتی «رالی ایرانی» و در حال حاضر «شب‌های مافیا» را ساختیم من اسمش را فیلم-مسابقه گذاشتم. در فیلم-مسابقه بازیگر وجود دارد، در واقع بازیگر در ذهن خود یک طرحی دارد؛ طرحی که به صورت جمع و کلان در ذهن گروه کارگردانی، کارگردان و سازنده هم هست اما کاملاً رئال است. یعنی ما در فیلم-مسابقه برای بازیگران موقعیت نمایشی ایجاد می‌کنیم ولی بازیگرها و آزاد است تا هر نوع اکت و ری‌اکتی که خودش می‌خواهد را انجام دهد، بنابراین ما به عنوان کارگردان دخالتی در واقعه‌ی اصلی نداریم و فقط موقعیت ایجاد می‌کنیم. منتها وقتی با گروه حرفه‌ای فیلمسازی آن را پیش می‌بریم و میزبانان و دکوپاژ داریم؛ بنابراین فیلم می‌سازیم و وقتی با بازیگر کار می‌کنیم، بازیگر نقش شخصی خودش را ارائه می‌دهد و بازی می‌کند. بنابراین ما چه در «رالی ایرانی» و چه در «شب‌های مافیا» داریم یک فیلم می‌سازیم و من اسمش را فیلم-مسابقه می‌گذارم.

میزبانان دادن و دکوپاژ کردن مستند و کارهای واقعی‌نما کار سختی هست و شما در کارگردانی این شکل کارها حتماً باید ایده‌های زیادی داشته باشید. چقدر کارهای خارجی را دنبال می‌کنید و در این حوزه کار چه کسی را قبول دارید؟

من یک بار گفته‌ام و باز هم می‌گویم اگر چه بعضی از دوستان از من قبول نکرده‌اند و عده‌ای من را مورد هجمه و مخالفت قرار دادند و آن هم این است که من اصالتاً ماهواره نگاه نمی‌کنم و مطلقاً برنامه مشابه خارجی نمی‌بینم. من حتی یک قسمت از آن مدل شام ایرانی که می‌دانم از شبکه‌های ماهواره‌ای به زبان فارسی بخش می‌شود را ندیده‌ام. من مدل ایرانی

آن را دیده‌ام که کارگردان‌های قدیمی ما بیژن بیرنگ و سروش صحت ساخته‌اند. در واقع معتقدم که ما باید دور هم جمع شویم، اتاق فکر داشته باشیم تا طوفان فکری ایجاد شود و خودمان قالبی را بسازیم، اینکه ما از روی دست دیگری نگاه کنیم را نمی‌پسندم. در واقع این پدیده‌ای به نام ریلیتی شو است که حاصل توسعه سینما از جنبه‌های مختلف هست. بین سینمای داستانی با سینمای مستند در چند دهه یک مرزی وجود داشت. اصلاً سینما با سینمای مستند متولد شد و بعد به سینمای داستانی رسیدیم و دوباره برگشتیم به سینمای مستند داشتیم و حالا ژانری به نام ریلیتی شو وجود دارد که چیزی بین سینمای مستند و داستانی است. بنابراین ما در ریلیتی شو یک طرح پیچیده با سناریوهای موازی و مختلف داریم که هر لحظه هر کدامش ممکن است اتفاق بیفتد. این مساله در «رالی ایرانی» خیلی پیچیده‌تر بود، «شام ایرانی» که شما ممکن است فکر کنید چهار نفر دور هم می‌نشینند و نکاتی را مطرح می‌کنند هم وجود دارد. آن چهار نفر هستند اما من همیشه به عنوان نفر پنجم دور آن میز حضور دارم، حرف می‌زنم و نظرم را می‌گویم. برای مثال می‌گویم که موضوع بخش عروسک گردانی این مساله هم می‌تواند باشد و پیشنهادم را ارائه می‌دهم. گاهی اوقات آن چهار بازیگری که جلوی دوربین هستند نظر من را قبول می‌کنند و گاهی هم نمی‌پذیرند. من فقط نفر پنجم هستم؛ وقتی از من قبول نمی‌کنند گفت‌وگو به مسیر دیگری می‌رود و وقتی نظر من را می‌پذیرند به



قبول دارم که شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام، تلگرام و یا شبکه‌های دیگر در توجه مردم به برنامه‌های این چنینی و حتی سینما و برنامه‌های تلویزیونی نقش دارد و به آن کمک می‌کند اما ما هیچوقت اساس را بر این نگذاشتیم که سناریویی بچینیم تا بخشی از برنامه‌های ما در شبکه‌های اجتماعی وایرال شود

یک مسیبر دیگر هدایت می‌شویم و این یعنی کارگردانی یک ریلیتی شو؛ یعنی من به عنوان کارگردان جزئی از موضوع هستم. دوربین هم جزئی از موضوع است؛ در مورد سینمای داستانی شما اول میزبانان را دکوپاژ می‌کنید و در مورد ریلیتی شو باید دنبال جای دوربین بگردید و بین انتخاب‌های ممکن یکی را که در ذهن شما صحیح‌تر به نظر می‌رسد انتخاب کنید. گاهی اوقات در تدوین می‌بینید که نتیجه میزبانان و دکوپاژ، اتفاقی خوب در آمده یا واقعا خوب در نمی‌آید. به طور مثال ما برای اینکه چیزی را از دست ندهیم همیشه با ده، پانزده دوربین فیلمبرداری می‌کنیم و همه فیلمبرداری خودشان کارگردان مستندساز هستند و بنابراین می‌دانند که کجا باید قرار بگیرند و قصه را به صورت مجزا از زاویه دید نفر سوم پیش می‌برند. در «رالی ایرانی» پانزده دوربین داشتیم و یا در «مافیا» با ده دوربین کار را پیش می‌بریم و همه آدم‌هایی که پشت دوربین ایستاده‌اند خودشان مستندساز هستند و به نوعی کارگردانی می‌کنند. این سختی‌های کار هست اما مزیتش این است که سرعت تولید ما به شدت بالا است. در «رالی ایرانی» محمدرضا فروتن، الناز شاکر دوست، بهنوش بختیاری، سیروان خسروی، فرزاد حسنی، نیما فلاح و سحر ولدبیگی حضور داشتند. من «رالی ایرانی» یعنی شش قسمت شصت دقیقه‌ای را طی هفتاد و دو ساعت ساختیم به این علت که ما هیچوقت کات نمی‌دهیم و جلوی هیچ اتفاقی را نمی‌گیریم. ما خودمان جزو اتفاق هستیم، یعنی من همراه بازیگر می‌روم، به او پیشنهاد می‌کنم و خودم جزو قصه هستم. مثلاً «مافیا» من هم بازی می‌کنم و در گوشی به گرداننده می‌گویم که الان باید چه کاری را انجام دهد، یعنی من هم مثل گرداننده در بازی حضور دارم. این جنس کار ماست که به آن ریلیتی شو می‌گوییم.

